



وَبِهِ نَسْتَعِينُ

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

کنجینه‌ی احادیث

تحقیق در اطراف

ﷺ

موعظه‌های حضرت رسول اکرم

به ابوذر غفاری رضی الله عنه

جعفر پور عسکری

سرشناسه: پورعسگری، جعفر، ۱۳۲۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: گنجینه احادیث / مولف جعفر پورعسگری.
 مشخصات نشر: قم: همای غدیر، -۱۳۹۷.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۰-۲۵-۱:
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه.
 مندرجات: ج. ۱. تحقیق در اطراف موعظه های حضرت رسول اکرم به ابوذر غفاری
 موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴
 موضوع: Hadith (Shiites) -- Texts -- ۲۰th century
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹گ۹۳/۹/۱۳۶BD
 رده بندی دیویی: ۲۱۲/۲۹۷۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۱۰۲۲۴

گنجینه احادیث (موعظه های حضرت رسول ﷺ به ابوذر غفاری رضی الله عنه)

مولف: جعفر پور عسگری

ناشر: انتشارات همای غدیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰.۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۰-۲۵-۱



تمامی حقوق محفوظ است.

مرکز پخش: قم - خیابان شهید فاطمی - کوچه ۱۸ - پلاک ۱۹۹ - انتشارات همای غدیر

آدرس سایت: www.gfag.ir

تلفن: ۰۲۵- ۳۷۸۳۷۱۱۱

«تقدیرنامه»

این اثر ناقابل را تقدیم می‌کنم به ارواح پرفقوح پدر

و مادر عزیزم که لایق بیش از این بودند که این

حقیر رو سیاه در که این دستان غمیر از این چنین

دیگری ندارم که لایق حضورشان باشد

رویشان شادمان گرامی باد

«که دست مالکوتاد خرمای نخل

فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار
۲۳	مقدمه مؤلف
۲۴	تشکر و قدردانی
۲۵	فصل اول: باب معانی بسم الله
۲۶	باب بسم الله
۳۷	فصل دوم: باب کتابت حدیث
۳۸	باب منزلت حدیث و کتاب آن
۴۱	فصل سوم: باب شناخت حضرت ابوذر رضی الله عنه
۴۲	باب شناخت حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه
۴۳	بشیمان شدن ابوذر
۴۴	ابوذر در مکه
۴۵	اولین ملاقات ابوذر، با حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۴۶	زندگی ابوذر بعد از مسلمان شدن
۴۷	ابوذر در دوران حکومت عثمان و معاویه
۴۷	خطبه ابوذر برای مردم
۴۸	اجرای عدالت در بین مردم
۴۹	گفتار ابوذر با معاویه
۵۰	هدیه عثمان به ابوذر
۵۱	بدرقه ابوذر توسط حضرت علی و حسنین رضی الله عنهم
۵۲	دومین زندگی ابوذر در ربهذه
۵۲	وصیت ابوذر به دخترش
۵۴	دعای ابوذر در آسمان ها
۵۷	فصل چهارم: باب کیفیت بندگی خداوند متعال
۵۸	باب کیفیت بندگی خدا
۶۰	باید با قلب پاک و با شناخت کامل به سوی عبادت رفت
۶۱	حضور قلب در عبادت
۶۳	علت خلقت انسان چیست؟
۶۵	اثرات ذکر در دل
۶۷	مراحل شناخت خدا
۶۸	معرفت و شناخت خدا از دیدگاه امام حسین رضی الله عنه
۷۰	رؤیت خداوند در آیات و روایات اسلامی

- روایات اسلامی در مورد شناخت خداوند ۷۳
- خلقت آسمانها و زمین در شش روز ۷۷
- از دیگر نشانه‌های خدا «نفس و حقیقت انسان» است ۸۰
- تفسیر آیه ۲۲ سوره بقره توسط امام سجّاد ۸۲
- فصل پنجم: باب توحید صفاتی و شرح بر اسماء حسنی** ۸۵
- توحید صفاتی و شرح بر اسماء حسنی ۸۶
- و اما، اسماء حسنی چیست؟ ۹۰
- اسم اعظم در معنا با اسمای حسنی فرقی دارد؟ ۹۳
- شماره اسمای حسنی در قرآن ۹۵
- اسماء خدا توفیقی است؟ ۹۷
- بررسی توفیقی بودن اسماء الله ۹۸
- اسمای الهی در قرآن به نحو کاملتر ۱۰۱
- معرفی سوره بقره و آیه الكرسي ۱۰۲
- تسبیح و تقدیس اسماء خداوند جلیل ۱۱۰
- اختصاص اسمای حسنی به خدا ۱۱۱
- تأثیر اسمای الهی در نظام حسنی ۱۱۳
- قسمتی از دعای شریف سمات ۱۱۳
- «اسامی نود و نه گانه خداوند جلیل» ۱۱۵
- فصل ششم: باب شرحی بر اسماء الهی** ۱۱۷
- و اما احصاء نام‌های جلیله خداوند ذوالجلال ۱۱۸
- «الوَاحِدُ، الْأَحَدُ»؛ (یگانه و یکتا) ۱۲۱
- «الصَّمَدُ»؛ (سرور) ۱۲۳
- «الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ»؛ (أَوَّل و آخر) ۱۲۵
- «السَّمِيعُ»؛ (شنوا) ۱۲۶
- «الْبَصِيرُ»؛ (بینا) ۱۲۷
- «الْقَدِيرُ، الْقَاهِرُ»؛ (توانا و پیروز) ۱۲۷
- «الْعَلَى الْأَعْلَى»؛ (الاتبّار و برتر) ۱۲۸
- «الْبَاقِي»؛ (پایدار) ۱۲۸
- «الْبَدِيعُ»؛ (سازنده) ۱۲۹
- «الْبَارِيءُ»؛ (آفریدگار) ۱۲۹
- «الْأَكْرَمُ»؛ (گرامی) ۱۳۰
- «الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»؛ (آشکار، باطن) ۱۳۰
- «الْحَيُّ»؛ (زنده) ۱۳۱

۱۳۱.....	«الْحَكِيمُ»: (حکیم)
۱۳۲.....	«الْعَلِيمُ»: (آگاه)
۱۳۳.....	«الْحَلِيمُ»: (بردار)
۱۳۳.....	«الْحَفِیْظُ»: (نگه دارنده)
۱۳۴.....	«الْحَقُّ»: (حق)
۱۳۴.....	«الْحَسِیْبُ»: (حساب گر)
۱۳۵.....	«الْحَفِیُّ»: (عالم)
۱۳۵.....	«الزَّبُّ»: (پروردگار)
۱۳۵.....	«الرَّحْمَنُ»: (مهربان)
۱۳۶.....	«الرَّحِیْمُ»: (بخشنده)
۱۳۶.....	«الرَّؤُوفُ»: (مهربان)
۱۳۷.....	«الرَّادِیُّ»: (آفریدگار)
۱۳۷.....	«الرَّازِقُ»: (روزی دهنده)
۱۳۷.....	«الرَّقِیْبُ»: (قیب)
۱۳۷.....	«الرَّائِیُّ»: (آگاه)
۱۳۸.....	«السَّلَامُ»: (سلامت)
۱۳۸.....	«المُؤْمِنُ»: (تصدیق کننده)
۱۳۸.....	«المُهِیْمِیْنُ»: (گواهی دهنده)
۱۳۹.....	«العَزِیْزُ»: (عزیز)
۱۳۹.....	«الجَبَّارُ»: (شکست ناپذیر)
۱۴۰.....	«المُتَكَبِّرُ»: (بزرگ بینی)
۱۴۰.....	«السَّیِّدُ»: (سرور)
۱۴۰.....	«السُّبُوْحُ»: (سُبُوْح)
۱۴۱.....	«الشَّهِیْدُ»: (گواه)
۱۴۱.....	«الصَّادِقُ»: (راست گو)
۱۴۱.....	«الصَّانِعُ»: (سازنده)
۱۴۱.....	«الطَّاهِرُ»: (طاهر)
۱۴۲.....	«الْعَدْلُ»: (عدالت)
۱۴۲.....	«الْعَفْوُ»: (بخشش)
۱۴۲.....	«الْعَفْوُورُ»: (غفور)
۱۴۲.....	«الْعَنیُّ»: (بی نیاز)
۱۴۳.....	«الْغِیَاثُ»: (پناه دهنده)
۱۴۳.....	«الْفَاعِلُ»: (آفریدگار)

- ۱۴۳..... «الْفَرْدُ»: (فرد)
- ۱۴۳..... «الْفَتَّاحُ»: (داور)
- ۱۴۴..... «الْفَالِقُ»: (شکافنده)
- ۱۴۴..... «الْقَدِيمُ»: (قدیم)
- ۱۴۴..... «الْمَلِكُ»: (مَلِک)
- ۱۴۵..... «الْقُدُّوسُ»: (تقدیس)
- ۱۴۵..... «الْقَوِيُّ»: (قدرتمند)
- ۱۴۵..... «الْقَرِيبُ»: (اجابت کننده)
- ۱۴۶..... «الْقَبِيضُ»: (قیوم)
- ۱۴۶..... «الْبَاسِطُ»: (کمالش دهنده)
- ۱۴۶..... «قَاضِي الْحَاجَاتِ»: (به جا آورنده نیازها)
- ۱۴۷..... «الْمَجِيدُ»: (بسیار دهنده)
- ۱۴۷..... «الْمَوْلَى»: (مولا)
- ۱۴۸..... «الْمَنَّانُ»: (نعمت دهنده)
- ۱۴۸..... «الْجَوَادُ»: (بخشنده)
- ۱۴۸..... «الْمُحِيطُ»: (مسلط)
- ۱۴۹..... «الْمُبِينُ»: (آشکارکننده)
- ۱۴۹..... «الْمُقِيتُ»: (نگهبان)
- ۱۵۰..... «الْمُصَوِّرُ»: (چهره پرداز)
- ۱۵۰..... «الْكَرِيمُ»: (پسندیده)
- ۱۵۱..... «الْكَبِيرُ»: (بزرگ)
- ۱۵۱..... «الْكَافِي»: (کافی)
- ۱۵۲..... «كَاشِفُ الضُّرِّ»: (بر طرف کننده گرفتاری)
- ۱۵۲..... «النُّورُ»: (روشنائی دهنده)
- ۱۵۳..... «الْقَهَّازُ»: (مقهورگر)
- ۱۵۳..... «النَّاصِرُ»: (یاری دهنده)
- ۱۵۳..... «الْوَهَّابُ»: (بخشنده)
- ۱۵۴..... «الْوَاسِعُ»: (بی نیاز)
- ۱۵۴..... «الْوَدُودُ»: (محبوب)
- ۱۵۴..... «الْهَادِي»: (هدایت کننده)
- ۱۵۵..... «الْوَفِيُّ»: (وفادار)
- ۱۵۵..... «الْوَكِيلُ»: (نگهبان)
- ۱۵۶..... «الْوَارِثُ»: (وارث)

۱۵۶.....	«البُرُّ»: (راستی)
۱۵۶.....	«الباعثُ»: (برانگیزنده)
۱۵۶.....	«التَّوَابُ»: (توبه پذیر)
۱۵۷.....	«الْجَلِيلُ»: (سرور)
۱۵۷.....	«الْحَبِيرُ»: (آگاه)
۱۵۷.....	«الْخَالِقُ»: (آفریدگار)
۱۵۸.....	«الدَّيَّانُ»: (پاداش دهنده)
۱۵۸.....	«خَيْرُ النَّاصِرِينَ»: (بهترین یاری دهندگان)
۱۵۸.....	«الشَّكُورُ»: (شکر پذیر)
۱۵۹.....	«العَظِيمُ»: (بزرگ)
۱۵۹.....	«اللطيفُ»: (لطف)
۱۵۹.....	«التَّباركُ»: (صاحب برکت)
۱۶۰.....	«الشَّافِيُ»: (شفا دهنده)

۱۶۱..... فصل هفتم: باب ایمان به خداوند ﷻ

۱۶۲.....	باب ایمان به خدا
۱۶۹.....	ایمان تقسیم به اعضای بدن می شود
۱۷۰.....	آنچه می دانی عمل کن
۱۷۴.....	ایمان چیست؟
۱۷۹.....	ایمان خود را چگونه حفظ کنیم
۱۸۲.....	شرح و تفسیر جایگاه دنیا و آخرت از دیدگاه امام علی (ع)
۱۸۳.....	عمر گرانبها را ارزان فروختیم
۱۸۶.....	کوچ برای سفر آخرت
۱۸۸.....	سفر آخرت طولانی توشه کم
۱۹۲.....	از طبیعت بابت عبرت گرفت

۱۹۵..... فصل هشتم: باب سعادت دنیا و آخرت

۱۹۶.....	باب سعادت دنیا و آخرت
۱۹۷.....	بخش ۱ الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ
۲۰۱.....	دنیای خوب و مطلوب
۲۰۴.....	بخش ۲ لزوم بهره گیری صحیح از نعمتهای خداوند
۲۰۸.....	بخش ۳ در ایام جوانی، دوران نشاط و سرزندگی
۲۱۰.....	نصیحت ارادتمندانۀ امام خمینی (ره) به جوانان
۲۱۳.....	بخش ۴ لزوم قدرشناسی از سلامتی و توانگری
۲۱۵.....	بخش ۵ زندگی دنیا بستر انتخاب، رشد و تعالی

بخش ۶ استفاده بهینه از زندگی دنیا و عمر	۲۲۱
بخش ۷ اندیشه مرگ، پایان بخش آرزوهای دراز	۲۲۶
بخش ۸ توصیه پیامبر ﷺ به استفاده بهتر از توانایی های فعلی	۲۳۲
بخش ۹ لزوم قدردانی از عمر	۲۳۹
پیام امام علی علیه السلام در مورد مرگ	۲۴۰
بخش ۱۰ انجام به موقع وظایف و نگران روز دیگر نبودن	۲۴۳
اما دجال کیست و کجاست؟	۲۴۴
فصل نهم: باب آموختن علم و عمل به آن	۲۴۹
باب آموختن علم و عمل به آن	۲۵۰
بخش ۱ نکات تحصیل علم برای اهداف دنیوی	۲۵۱
بخش ۲ فرجام کسب علم، جهت فریفتن مردم	۲۶۰
بخش ۳ اعتراف انسان عالم به جهل خود، ویژگی عالمان الهی است	۲۶۴
بخش ۴ بزرگ ترین محبت عالمان در قیامت	۲۶۸
فصل دهم: باب نعمت های الهی	۲۷۳
تفکر در عظمت نعمت های خداوندی	۲۷۴
بخش ۱ عظمت حقوق خداوند و بی شماری نعمت های او	۲۷۵
بخش ۲ یکی از نعمت های خداوند توبه است	۲۷۸
بخش ۳ هر کشت کار همان برداشت کند که کشت کرده	۲۸۲
بخش ۴ مقدرات خیر و شر و روزی انسانها	۲۸۶
شگفتی های جهان ارزاق	۲۸۸
آیا روزی مقسوم است	۲۸۹
بخش ۵ و اما توحید افعالی و منشأ خیر بودن خداوند	۲۹۳
علل و عوامل خیر و شر	۲۹۴
عقل و جهل، در کلام حضرت علی علیه السلام	۲۹۸
فصل یازدهم: باب همسویی قول با عمل	۳۰۱
باب همسویی قول و عمل	۳۰۲
بخش ۱ تفسیر چگونگی روزی	۳۰۳
بخش ۲ نقش معصیت در محروم گشتن از روزی	۳۰۶
اثر گناهان در این دنیا طبق روایات اسلامی	۳۰۷
بخش ۳ پاسداری از زبان و دوری از کارهای بیهوده	۳۰۹
سکوت و اصلاح زبان	۳۱۱
رفع یک اشتباه	۳۱۳
بخش ۴ عقل و منطق (زبان) دو گوهری است در وجود انسان	۳۱۷

بخش ۵ مقامات اخروی و درجات بهشت	۳۳۱
شرحی بر این فقرات، و درجات بهشتیان در بهشت	۳۳۱
فصل دوازدهم: باب حکمت روزه و جهاد با نفس	۳۳۵
باب حکمت روزه	۳۳۶
بخش ۱ درباره روزه و گرسنگی	۳۳۷
و اما چرا روزه در ماه رمضان واجب شده است؟	۳۴۵
بخش ۲ جهاد با نفس است روزه هم از قسمت آن است	۳۴۵
بخش ۳ تفاوت بهشتیان در بهره مندی از مقامهای بهشتی	۳۴۸
فصل سیزدهم باب فضیلت گریه از ترس خدا و در مصائب ائمه علیهم السلام	۳۵۵
باب فضیلت گریه	۳۵۶
بخش ۱ عظمت و پاداش گریه خالص	۳۵۷
بخش ۲ فضیلت گریه بر مصائب ائمه معصومین (علیهم السلام)	۳۶۰
بخش ۳ انارگریس برای آخرت	۳۶۴
رمزی دقیق و بشاعتی لطیف بر آیات	۳۷۲
سخن دیگری در سر دل و گریه	۳۷۴
فصل چهاردهم: علم و اخلاق سودمند برای انسان	۳۷۹
باب علم و اخلاق	۳۸۰
بخش ۱ اخلاق در آیات قرآن و روایات اسلامی	۳۸۱
علم بدون تزکیه نفوس علم نیست	۳۸۷
به چند حدیث در مورد تغییر اخلاق توجه فرمائید	۳۹۰
بخش ۲ نقش اخلاق خوب و بد در زندگی انسانها	۳۹۲
اخلاق فاسد قارون در منطق قرآن عبرتی است برای دیگران	۳۹۷
رابطه زندگی مادی با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی	۴۰۵
تاریخچه علم اخلاق	۴۰۶
فصل پانزدهم: اهمیت و نقش خوف و حزن در انسان	۴۱۱
باب اهمیت خوف و حزن	۴۱۲
بخش ۱ بلا و مصیبت امتحان انسانها است از طرف خداوند	۴۱۳
غلط فهمیها	۴۱۶
بخش ۲ خوف و حزن علت دوری از گناه است	۴۱۹
بخش ۳ شرحی بر حزن و غم و آثار معنوی آن بر انسان	۴۲۲
بخش ۴ علت این که باعث خوف و حزن انسان می شود	۴۲۸
بخش ۵ دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است	۴۳۳
بخش ۶ ندیشه انسان درباره جهنم؛ و عامل خوف مؤمن	۴۳۷

فصل شانزدهم: باب خوف و رجاء ۴۴۳

باب خوف و رجاء ۴۴۴

بخش ۱ خوف از خداوند به معنای ترس از عذاب الهی است ۴۴۴

بخش ۲ کیفیت تحصیل صفت خوف از خداوند جلّ جلاله ۴۵۰

علت ترسیدن از آخرکار سه چیز است ۴۵۳

یأس و ناامیدی از رحمت خدا و مذمت آن ۴۵۵

بخش ۳ رجاء و امیدواری به خدا ۴۵۶

امید‌بندگان به رحمت خاص خدا ۴۵۹

در مورد فضیلت رجاء آیات و روایات زیادی هست ۴۶۰

بخش ۴ و اما خوف اصلح است یا رجاء؟ ۴۷۰

بخش ۵ نکوهش اعتماد بر اعمال نیک ۴۷۵

بخش ۶ نقش توبه به گناه در دوری از شیطان ۴۸۰

فصل هفدهم: باب خیانت در امانت و خشوع در عبادت ۴۸۷

باب خیانت در امانت و خشوع ۴۸۸

بخش ۱ امانت و امانت‌داری در قرآن ۴۸۹

و اما اینکه این امانت چیست؟ ۴۹۲

داستان ابولبابه ۵۰۰

بخش ۲ امانت‌داری و خیانت به آن در روایات اسلامی ۵۰۲

۲ امانت خداوند ۵۰۶

خیانت به امانت مردم ۵۱۰

بخش ۳ (حبس الحقوق) نپرداختن بدهی، خیانت و ظلم به همه است ۵۱۶

ثواب وام دادن و عقاب ترک آن ۵۱۸

بخش ۴ نقش خشوع در عملکرد انسانها ۵۲۷

فصل هجدهم: باب نکوهش دنیا خواهی ۵۳۹

باب نکوهش دنیا خواهی و اهمیت آخرت‌نگری ۵۴۰

بخش ۱ خردی و کوچکی دنیا در نزد پروردگار عالم ۵۴۱

بخش ۲ مذمت دنیا خواهی و ستایش داشتن ایمان ۵۴۷

بخش ۳ لزوم دوستی آخرت برای هر انسان ۵۵۲

بخش ۴ حکمت و بصیرت ره آورد زهد در دنیا است ۵۵۸

نشانه‌های زاهدترین انسانها ۵۶۱

بخش ۵ گوشه‌ای از سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۵۶۶

فصل نوزدهم: باب فقر و غنا و نتایج آن در نظر اسلام ۵۷۹

باب فقر و غنا از نظر اسلام ۵۸۰

بخش ۱ شرح بر خلقت فقر و غنا از نظر دانشمندان	۵۸۱
بخش ۲ فقر و غنا امتحانیست از طرف خدا	۵۸۶
بخش ۳ فقر و غنا در نظام عدل علی (ع)	۵۹۴
بخش ۴ ستایش راضی بودن انسان به حد کفاف	۵۹۸
بخش ۵ خوشا به حال زاهدان در دنیا که از دنیا بریده‌اند	۶۰۲
پیام عملی رسول اعظم (ص) به انسانها	۶۰۶
فصل بیستم: باب به یاد مرگ بودن	۶۰۹
باب با یاد مرگ زندگی نمودن	۶۱۰
بخش ۱ انسان باید در همه حال به یاد مرگ باشد	۶۱۱
بخش ۲ بیان فضیلت ذکر مرگ در روایات اسلامی	۶۱۵
بخش ۳ معانی مرگ از زبان پیشوایان دین یعنی حضرات چهارده معصوم (ع)	۶۱۹
بخش ۴ آنچه از احوال محتضر که به هنگام مرگ مستحب است	۶۲۹
بخش ۵ شرح صبر و نشانه‌های آن	۶۳۸
گریز انسان از ریا و خودنمایی و نفاق	۶۴۰
نیت انسان و نقش آن در عمل	۶۴۳
فصل بیست و یکم: باب بزرگداشت یاد و عظمت خداوند (ع)	۶۴۵
باب بزرگداشت یاد و عظمت و جلال خداوند والا مرتبه	۶۴۷
بخش ۱ یاد و ذکر خداوندی در قرآن و روایات اسلامی	۶۴۷
بخش ۲ عظمت مقام خداوند در سطر فرشتگان	۶۵۵
نقش نگرش به مقام خوف دوستان خدا و فرشتگان	۶۵۷
بخش ۳ گفتار درباره ملانکه در قرآن	۶۶۳

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ الْمُجْتَبَى وَرَسُولِهِ الْمُصْطَفَى أَرْسَلَهُ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَا بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ أُمَّةٍ أَهْدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَظَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا؛ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى؛ حمد و سپاس خدایی را سزااست که اولیای خودش را به ما شناساند، کسانی که هر کس آنها را بشناسد در واقع خدای را شناخته است، و کسی که از شناخت آنها باز ماند در حقیقت از شناخت خدا بازمانده است، و کسی که به دامن آنان چنگ زند در واقع به دامن پروردگار چنگ زده است و هر که از آنها دوری نموده و دست بردارد در واقع از خدای متعال دوری گزیده و دست برداشته است. و درود و سلام بی پایان بر اشرف پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و برخاندان برگزیده او، و بر همه دوستان آنها و دوستداران دوستان آنها باد و نفرین و لعنت همیشگی بر دشمنان آنها از پیشینیان تا پایان تاریخ باد.

اینک کمترین خدمتگزار اهل علم و دانش این اوراق ناقابل را تهیّه نموده‌ام اگر خداوند مَنّان قبول کند ثوابش را اول از همه اهداء می‌کنم به اوار مقدسه چهارده معصوم (علیهم السلام)، و امیدوارم که خداوند مَنّان از این اوراق ناقابل ثوابی هم به اوار مقدّس پدر و مادر این عاصی درگاهش برساند، که آنها بودند با زحمات طاقت فرسا بنده و در راه مستقیم مسلمانی و خصوصاً در راه شناخت اهل بیت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم آشنا نمودند، که اگر توفیق حق یاریم کند هرگز از این راه منحرف نشوم. انشاء الله تعالی. و بنده ناچیز عرض می‌کنم؛ «الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء یعنی، خدایا نفس مرا به اندازه یک پلک چشم به هم زدن به خودش وا مگذار که اگر توفیق تو نباشد نابود خواهم شد، و این اوراق ناقابل را به نام (گنجینه احادیث) نامیدم؛ این حقیر بی بضاعت سعیم بر این بود صحیح‌ها و درست‌ها را انتخاب نمایم؛ و روش ما در این اوراق این است که ابتدا بخشی از حدیث مورد نظر را که با عبارت یا ابودر، آراسته شده است را ذکر می‌کنیم بعد

جملات همان قسمت را آورده و در ذیل هر قسمت آیات و روایات مناسب متن و توضیح دهنده ای کلمات آن را می آوریم و در بعضی جاها ادعیه را که از پیامبر ﷺ و اهل بیت  رسیده است اضافه می کنیم، و شایان به ذکر است که این حدیث شریف که در واقع یک سفارش و یا یک وصیت جامع است از زبان گهربار رسول اکرم ﷺ نازل گردیده، در این حدیث موضوعات تکراری زیادی وجود دارد که هر موضوع را در جای خود خواهیم آورد.

انشاء الله مثلاً در مورد دنیا چند بار با موضوع دیگر آمده است بنده هم بدون کم و یا زیاد با همان ترتیب که در کتاب حدیث آمده است در این اوراق بیان خواهم نمود؛ اگر خوانندگان محترم با دیده بصیرت و دقت به آنچه در ذیل هر قسمت ذکر کرده ایم بنگرند درمی یابند که هر یک از آیات و روایات؛ جهتی از جهات بحث و گوشه ای از مراد و منظور حدیث را روشن می سازد، و بلکه در بسیار از موارد آیات و روایاتی ذکر شده است امید است خواننده عزیز و محترم در مطالب کتاب با دیده ای دقت و در اشتباهات احتمالی آن به نظر اغماض بنگرد که انسان همیشه در معرض اشتباه و فراموشی است؛ که اگر توفیق و لطف خدا نباشد هیچ کس نمی تواند کلام خود را صحت بیان کند پس ما باید سعی و تلاش کنیم که خود را به پروردگار خود نزدیک سازیم، این هم بدون شناخت و ایمان و عمل امکان پذیر نمی باشد همچنانکه قرآن مجید در آیه شریفه می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**، یعنی ای اهل ایمان از خدا بترسید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید، هم جهاد اکبر و هم جهاد اصغر، که جهاد با نفس سرکش می باشد. عزیزان دقت کنید؛ معبود بشر قلم را گرامی می دارد و در آغاز سوره ی (نون) در قرآن مجید به عظمت قلم و شکوه و آثار آن سوگند یاد می کند و می فرماید: **«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ مَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»**^۱ یعنی قسم به نون که نام نور و ناصر حق یا لوح نور خداست و قسم به قلم و آنچه تا ابد محفوظ خواهد نگاشت که توبه لطف و رحمت پروردگار عقل کامل و رحمت نبوت یافته ای و هرگز مجنون نیستی؛ آری چه سوگند عجیبی و عظیمی، در واقع آنچه به آن در اینجا به آن سوگند یاد شده است، ظاهراً موضوع کوچکی است، مثل یک قطعه نی و یا چیزی سیاه از و کمی ماده ای سیاه رنگ و سپس سطوری که بر صفحه ی کاغذی رَم زده می شود، اما در واقع این همان چیزی است که سرچشمه پیدایش تمام تمدنهای انسانی، و پیشرفت و تکامل علوم و

بیداری اندیشه‌ها و افکار و شکل گرفتن مذهب‌ها و سرچشمه هدایت و آگاهی بشر است، تا آنجا که دوران زندگی بشر را به دو دوران تقسیم می‌کند: **دوران تاریخ و دوران قبل از تاریخ**؛ دوران تاریخ بشر از زمانی شروع می‌شود که خط اختراع شد و انسانها توانستند ماجرای زندگی خود را بر صفحات نقش کنند، و یا به تعبیر دیگر دورانی است که انسان دست به قلم گردید و از او **ما یسطرون** به یادگار ماند. عزیزان خوب دقت کنید که عظمت این سوگند وقتی روشن‌تر و آشکارتر می‌شود که ما توجه داشته باشیم، آن روز که این آیات نازل شد؛ در آن منطقه نویسندگان و ارباب قلم وجود نداشت و اگر هم کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن را داشتند تعدادشان خیلی کم بود، آری در چنین زمانی و در چنین مکانی و محیطی سوگند به قلم یاد کردن عظمت خاصی داشت و دارد، چون نه مردم با نوشتن سروکار داشت، و نه خود حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله سواد داشت. (تأیید گفتار حقیر این است که) مؤلف کتاب (محمد پیغمبری که باید از نوشتن ساخت) ^۱ در صفحه ۵۵ در جریان غار حرا چنین آورده است که یک شب حضرت محمد صلی الله علیه و آله در غار حرا، خود را در بالاپوش خود (ردای خود) پیچیده، دراز کشیده بود و حالی داشت حد فاصل بین خواب و بیداری، در آن موقع شخصی او را از خواب بیدار کرد و طبق نوشته کتاب (ابن هشام) پارچه‌ای به او نشان داد، (ابن هشام) می‌گوید: آن پارچه ابریشمین بود و روی آن کلماتی با خط زین دیده می‌شد و از شخصی که محمد صلی الله علیه و آله را از خواب بیدار کرد نور ساطع می‌گردید، پس از این محمد صلی الله علیه و آله از خواب بیدار شد آن شخص پارچه ابریشمین را به او نشان داد و گفت: «**اقْرَأْ**» یعنی بخوان، حضرت محمد گفت: من نمی‌توانم بخوانم آن شخص دست را روی شانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نهاد و مرتبه دیگر به او گفت: «**اقْرَأْ**»، «باز حضرت محمد صلی الله علیه و آله جواب داد من نمی‌توانم بخوانم» ابن هشام می‌گوید: آن شخص دودست را روی شانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نهاد و فشرده و گفت بخوان؛ طوری فشار دستهای آن شخص حضرت محمد صلی الله علیه و آله را متألم کرد که نزدیک بود از حال برود و از او پرسید چه باید بخوانم؟ شخصی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از خواب بیدار کرده بود گفت: «**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**» ^۲ یعنی بخوان بنام خدای تو که خلق کرد، (یعنی انسان را خلق نمود)، ادامه این گفتار را در کتاب سیر خورشید نبوت از مبدأ تا معاد آورده‌ام به آن کتاب مراجعه نمایید.

۱. نویسنده مسیحی در کتاب محمد پیغمبری که باید از نوشتن ساخت.

۲. سوره علق آیه ۱.

دوستان، و عزیزان این بنده عاصی که یک عمر خود را با بازی سرگرم نموده بودم عمرم را به بطلالت گذرانده‌ام حال به خود آمدم ولی خیلی دیر شده است. باز با همان قلم سوگند خورده کتابی را شروع می‌نمایم که اگر خداوند متعال بخواهد شاید قسمتی از فرصت‌های از دست رفته‌ام را با این کار بدست بیاورم انشاء الله.

این حقیر که درسین خورد سالی به مکتب خانه برای درس خواندن رفتم از همان ایام با استادان مکتب انس گرفتم، و بعد از آن هم با علمای عظام و بزرگان علم و ادب نشست و برخاست داشتم، و دارم.

و همچنین حقیر از کودکی علاقه خاصی به کتاب خوانی داشتم که در کتاب خانه‌ام فعلاً کتاب‌های گوناگون از جمله تفسیرها و کتاب‌های حدیث و علوم دیگری وجود دارد که قبل از سال ۱۲۵۰ خریداری نموده‌ام. با همان علاقه قبلی که به کتاب و کتاب خوانی داشتم و هنوز هم دارم، حال می‌خواهم از اندوخته‌هایم استفاده نموده از خرمن بزرگان دین اسلام خوشه چینی نمایم، اگر خداوند بزرگ بفرماید دهد و سعادت یاریم نماید برای روز جزای خویش توشه‌ای فراهم کرده باشم.

غرض نقش است کز ما بار ماند
که گیتی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحب‌دلی روزی در رحمت
کند در حق درویشان دعائی

باز هم حمد و ثنا می‌کنم به درگاه بی‌پایان مولای خودم و ولی نعمت تمام موجودات جهان را که به این بنده عاصی و سرتاپا تقصیر و گناه و ظلم کننده به نفس خود، چنین توفیقی عطا فرمود؛ که این حقیر بی بضاعت جعفر پور عسگری مولود هزار و سیصد سی یک [۱۳۳۱] شمسی قمری فرزند مرحوم عباس فرزند مرحوم ملا محمد رضا فرزند مرحوم ملا علی محمد، و شایان به ذکر است مرحوم پدرم؛ پدر بزرگ مادریش هم روحانی بوده به نام ملا علی و عمویش هم روحانی بوده به نام «ملا آقا» که در کتاب تاریخ خوئین در مورد ایشان آورده است که ملا آقا فرزند ملا علی محمد مشهور به نحوی مدرّس فاضل بوده و در سال [۱۳۴۴] هجری وفات کرده^۱ همگی اهل علم و قلم و در قریه زندگی می‌کردند در آن زمان در آن قریه چند نفر معتمد و مرجع زندگی می‌کردند که قریه شناخته شده می‌باشد، به نام قریه خوئین توابع استان زنجان شهرستان ایجرود که خود مؤلف حقیر نیز در روستای قم‌چقایی نزدیکی همان قریه خوئین

۱. کتاب تاریخ خوئین تألیف حاج محمد انصاری خوئینی زنجان ص ۳۶۳.

زندگی می‌نمایم، انجانب با توکل به خداوند دانا و حکیم قلم به دست می‌گیرم تا از کتبی که در دسترس دارم خوشه چینی نمایم؛ و لازم به ذکر است که بنده عالم به علم نبودم و نتوانستم مثل دیگران کلمات خوب و جمله بندیهای خوب و شایسته‌ای را ارائه نمایم به هر حال هدیه ناقابل است به دوستداران کتاب؛ این اوراق مثل آن ران ملخ است که اهدا نمودند به حضرت سلیمان علیه السلام؛ در اینجا وظیفه خود دانستم که از بزرگان دین اسلام و علم و ادب تقدیر و تشکر داشته باشم؛ عزیزی که در این جهان زیست نمودند با تمام توان خود از وحدانیت خداوند و از شریعت دین حضرت ابراهیم علیه السلام که در واقع همین دین اسلام و دین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است، از ابتدای خلقت عالم تا امروز پاسداری نمودند برای آنان؛ چه از دنیا به سفر آخرت رفتند؛ و چه در این دنیا برای آخرت خویش تلاش می‌کنند از خداوند متعال طلب آمرزش و مغفرت می‌نمایم؛ پروردگارا! زبان و قلم ما را با کلام درست و حکمت آمیز استواری بخش؛ تا جزا بر توبه و تعمق و راستی و معرفت سخن نگوییم؛ و جز دیده انصاف عاری از تعصب؛ و خرد خواهی و حق پوشی ننگریم؛ پروردگارا! این نوشتار را در روزی که مال و فرزند سودی نمی‌دهد و جز قلب سلیم به کار نیاید؛ برای این حقیر ذخیره آخرت قرار ده؛ و برای برادران حسبی و نسبی دینی ام و مخصوصاً دو برادر بزرگوارم آقایان حاج محمدرضا عسگری و حاج محمد تقی عسگری که هر دو الحق و الإنصاف در حق اینجانب پدری کردند که این حقیر نتوانستم حقشان را ادا کنم از خداوند بزرگ برای ایشان اجر جزیل و توفیق روزافزون را خواستارم. و برای فرزندان و اهل خانه و اقربای عزیزم و دوستان و مؤمنین و مؤمنات آرزوی سعادت و خیر دنیا و آخرت را خواهانم. خدایا و پروردگارا! این اندک و ناچیز را به فضل بیکرانت از ما بپذیر؛

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ؛

خوانندگان گرامی توجه داشته باشند که این بنده ناچیز تا آخر این کتاب دعای شریف «غریق» را در خاتمه تمام فصلها خواهم نوشت انشاء الله؛ به امید اینکه بی ایمان از دنیا نرویم، و ضمناً شایان ذکر است که نام این کتاب را گنجینه مقاله‌ها تأیین نموده بودم که یکی از برادران فرهنگی نظرشان این بود که مطالب این مجموعه به مقاله‌ها درست در نمی‌آید به خاطر آن نام این مجموعه را از گنجینه مقاله‌ها به «گنجینه احادیث» تغییر دادیم. خوانندگان

عزیز لطفاً دقت داشته باشید اگر در صفحات این کتاب به همان کلمات گنجینه مقاله‌ها برخورد کردید برای ارجاع بدانید که منظور همین مجموعه می‌باشد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

«یا الله یارحمن یارحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک
برحمتک یا ارحم الراحمین»

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

به نام خداوند سمیع و بصیر

سپاس مخصوص و شایسته خداست آن گونه که او سزاوار است و درود و سلام بر انبیاء و رسولان به خصوص آخرین آنان، آقای ما، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، پیامبر راست گوی و در سبک‌ار و بر خاندان معصوم و برگزیده اش به ویژه اول آنان، حضرت علی بن ابیطالب امیر مؤمنان علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، آخرین وصی و جانشین پیامبر، و لعنت همیشگی بر همه دشمنانشان تا روز قیامت. اما این حقیر سرتاپا تقصیر از گذشته ای دور با این علم کم همیشه آرزومند بودم و از خدای عزوجل می خواستم مرا به نوشتن چهل حدیث از حضرات معصومین موفق گرداند تا مشمول این حدیث حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله باشم که شیخ صدوق رحمته الله روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس از امت من، چهل حدیث را که به کار دین از منی آید حفظ کند خداوند او را در روز قیامت فقیه و عالم برمی انگیزاند»^۱.

الحمد لله رب العالمین آروی دیرین این حقیر تحقق یافت با عنایت و الطاف خداوندی در عرض چند سال این نوشته را تهیه نموده برای بعد از خود به یادگار می گذارم چه بسا خیلی ناچیز و اندک است، ولی دارای مطالب بسیار سودمند می باشد امیدوارم خوانندگان عزیز با دیده اغماض بنگرند.